



International Accounting Standards Board

تداوم نقش محوری گزارشگری مالی در فرایند سرمایه‌گذاری

ترجمه: زهرا نخبه فلاح

N. Anderson

نیک اندرسون (Nick Anderson)، در نشست انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز^۱ با موضوع «اطلاعات برای بازارهای بهتر» که در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۷ در لندن برگزار شد، به بیان دیدگاه حرفه‌ای خویش در پاسخ به سخنرانی ارائه‌شده از سوی پروفسور باروخ لو (Baruch Lev) با عنوان «گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران - آیا صورتهای مالی آنچه را که نیازمندند به آنها می‌دهد؟» پرداخت. اندرسون به عنوان یک سرمایه‌گذار سابق در جایگاه خریدار، دیدگاه‌های خود درباره تداوم نقش مهم صورتهای مالی در توانمندسازی سرمایه‌گذاران در گرفتن تصمیمهای سرمایه‌گذاری را بیان کرد.

پاسخ به پروفسور لو

از پروفسور لو به‌خاطر ارائه تفکربرانگیز و همچنین از انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز برای دعوت از من به‌منظور بیان پاسخ، تشکر می‌کنم (قبل از شروع، اجازه بدهید این موضوع را روشن کنم که دیدگاه‌های مطرح‌شده در اینجا، فقط دیدگاه‌های شخصی اینجانب بوده و به‌ضرورت، دیدگاه‌های هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۲ یا بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۳ نیستند). من در ماه سپتامبر، دقیقاً ۳۱ سال پس از شروع فعالیت در زمینه سرمایه‌گذاری در جایگاه خریدار، عضو هیئت شدم. برای من، تجزیه و تحلیل گزارشها و حسابها، همواره عنصری اصلی در هنگام گرفتن تصمیمهای سرمایه‌گذاری بوده است. بنابراین از دید من، فرضیه پروفسور لو عجیب است. درحالی که او مدعی است مربوط‌بودن گزارشگری مالی کاهش یافته است، اگرچه می‌پذیرم که گاهی اوقات در هنگام استفاده از بعضی از حسابهای شرکت، نیاز به تلاش بیشتری وجود دارد، اما به‌نظر می‌رسد انتخابهایم برای خرید سهام با گذشت زمان بهبود یافته است! این شاید به تجربه‌ای که در طول سالها کسب کرده‌ام، مربوط باشد.

اما اجازه بدهید دیدگاه سنجیده‌تری در پاسخ به موارد مطرح‌شده از سوی پروفسور لو، بیان کنم.

افزایش داراییهای نامشهود

همانطور که پروفسور لو اشاره کرد، افزایش داراییهای نامشهود - و اهمیت آنها در ارزش‌آفرینی - غیرقابل انکار است. البته که داراییهای نامشهود

International Accounting Standards Board

در شکل‌های بسیار متفاوتی موجود است- برای نمونه از نرم‌افزار، تحقیق و توسعه^۴، حق امتیازها، نام‌های تجاری و ارتباط با مشتری گرفته تا فرهنگ سازمانی و نیروی کار؛ طیفی وجود دارد از دارایی‌های نامشهودی که بیشتر مشهودند تا آنهایی که بیشتر نامشهودند. جالب توجه است که برخی از سرمایه‌گذاران به دنبال تجزیه و تحلیل فرهنگ سازمانی در چارچوب نظام‌مندتری هستند. بنابر تجربه من، فرهنگ مناسب در سراسر سازمان می‌تواند یک کسب‌وکار خوب را به کسب‌وکاری بسیار عالی تبدیل کند. اما، به همان میزان، فرهنگ ممکن است یک بدهی باشد؛ فروش فریبکارانه محصولات مالی یا رسوایی‌های پیرامون آلودگی ماشین‌ها را در نظر بگیرید.

تعیین اثر گزارشگری مالی

مبنای اصلی دیدگاه پروفیسور لو این است که گزارشگری مالی در شناسایی بسیاری از دارایی‌های نامشهود با شکست مواجه می‌شود و در نتیجه، مربوط بودن گزارشگری مالی به طور درخور توجهی کاهش یافته است. او این کاهش را با واکنش قیمت سهام در هنگام گزارش نتیجه شرکت‌ها می‌سنجد. اما این دیدگاه نسبت به «گزارشگری مالی» و «مربوط بودن»، دیدگاه محدودی است. گزارشگری مالی در کل، نسبت به داده‌های موجود در روزی که شرکت‌ها نتیجه عملکرد خود را گزارش می‌کنند، مجموعه بسیار غنی‌تری از اطلاعات ارائه می‌کند. شاید تحلیلگران در جایگاه فروشنده، به علت کم بودن اطلاعات کنش‌مند مربوط به تغییر قیمت‌ها با مشکل مواجه شده‌اند. با این حال، به عنوان یک سرمایه‌گذار در جایگاه خریدار و بدون در نظر گرفتن اینکه تجزیه و تحلیل شرکت جدید را در ماه مارس یا نوامبر شروع کرده‌ام، اولین سند در دسترس من برای ادامه بررسی، گزارش و حساب‌هاست. پروفیسور لو با طرح دیگر معیارها مانند پراکندگی پیش‌بینی‌های تحلیلگران، گفته‌های خود را تکمیل می‌کند. اما در مجموع، این استدلال‌ها متناقض به نظر می‌رسد. با توجه به پژوهش‌های لو، گزارش‌های مالی تنها حدود ۵ درصد از اطلاعات مورد استفاده سرمایه‌گذاران را فراهم می‌کنند. اما هنگامی که در صدد توضیح افزایش پراکندگی در پیش‌بینی‌ها برمی‌آید، همان گزارش‌ها را به عنوان «منبع اصلی اطلاعات تحلیلگران» و «حداقل بخشی از» علت افزایش پراکندگی، توصیف می‌کند. همچنین، ازدیاد معیارهایی که منطبق با ضوابط تعیین شده از سوی اصول پذیرفته شده حسابداری^۵ نیستند نیز به عنوان شاخص نارضایتی از الگوی کنونی گزارشگری مالی، شناخته شده است. درباره این موضوع، بیشتر توضیح داده خواهد شد.

منابع اطلاعاتی جدید

در حالی که گزارشگری مالی در فرایند سرمایه‌گذاری به طور قطعی عاملی مربوط و محوری باقی مانده، توسعه منابع اطلاعاتی جدید و ارزشمند ادامه داشته است. شرکت‌ها به صورتی فزاینده از طریق حرفه‌ای ساختن ارتباط با سرمایه‌گذار و رویدادهای منظم مانند روزهای بازار سرمایه^۶، فعالیت در این حوزه را بهبود بخشیده‌اند. فناوری یک عامل اصلی بوده و اینترنت به یک سازوکار انتقال و منبعی از داده‌ها تبدیل شده است. استفاده از پهنای بر فراز پارکینگ‌های وسایل نقلیه برای ارزیابی فعالیت‌های خرده‌فروشی، نمونه‌ای از نوآوری‌های جدید است. در نظر داشته باشید اکنون در مقایسه با ۲۰ یا ۳۰ سال قبل، چه مقدار بیشتر درباره پاداش مدیران می‌دانیم و همچنین به رشد ناگهانی



International Accounting Standards Board

داده‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری توجه کنید. با توجه به توسعه منابع اطلاعاتی جدید و ارزشمند، نباید انتظار داشته باشیم گزارش مالی مربوط بودن خود را به صورت نسبی حفظ کرده باشد. با این حال، برای بسیاری از سرمایه‌گذاران در جایگاه خریدار، گزارش‌های مالی حسابرسی شده به عنوان یک عنصر مهم در فرایند سرمایه‌گذاری باقی مانده است.

دیدگاه جایگاه خریدار

مدیریت جریانهای فزاینده اطلاعات، چالشی برای سرمایه‌گذاران است. در جامعه استانداردگذاران، این ادراک وجود دارد که اشتهای استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی برای افشای بیشتر، سیری ناپذیر است. با این حال، یک مسئله مهم برای سرمایه‌گذاران در جایگاه خریدار، نیاز به تمرکز بر اطلاعات و مسائلی است که دارای اهمیت قطعی هستند. اطلاعات مهم از تعدادی از منابع با هم جمع می‌شوند تا یک سرمایه‌گذاری انجام شود. واژه‌هایی مانند «جدول معما»، «تصویرسازی» و «کل‌گرایی»، اغلب برای توصیف فرایند استفاده می‌شود.

به عنوان نمونه، بیشتر سرمایه‌گذاران به تفکر درباره ماهیت و انگیزه مدیریت خواهند پرداخت. به عنوان بخشی از فرایند تحقیق پژوهش خود، درصدد درک این موضوع بودم که یک شرکت مشخص، در کجای طیفی قرار گرفته که در یک کران آن ابزاری برای پاداش مدیریت و در کران دیگر، متمرکز بر ایجاد ارزش اقتصادی پایدار و ارزش برای سهامداران است. اطلاعات از منابع متعددی از جمله گزارش‌های مالی، گزارش‌های تفسیری مدیریت^۷، نشستهای مدیریت، گفتگوهای فروشندگان و گزارش‌های پاداش گردهم می‌آیند تا قضاوت انجام شود. اما اساس فرایند و مبنای پیش‌بینی، همچنان چارچوب گزارشگری مالی است. اگرچه وابستگی متقابل بین منابع اطلاعاتی وجود دارد، اما گزارش‌های مالی حسابرسی شده همچنان یک عنصر محوری است.

نقش استانداردها

پروفسور لو مدعی است که استانداردها گزاران مسئول پایان آشکار گزارشگری مالی هستند که او درصدد توصیف آن است. استانداردها گزاران متهم به «کنارگذاری الگوی سنتی درآمد و جایگزینی آن با ارزش‌گذاری داراییها» هستند. او ادعا می‌کند که «دو هیئت (یعنی هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا) در تدوین استانداردها، به شدت رویکرد ترازنامه‌ای را در پیش گرفته‌اند».

من فقط می‌توانم به عنوان یک عضو هیئت صحبت کنم؛ اما این استدلال را به شدت رد می‌کنم و این قابل قیاس با هیچ ارزیابی منطقی از واقعیتها نیست. پیش‌نویس چارچوب مفهومی هیئت که در ماه مه ۲۰۱۵ منتشر شد، به روشنی بیان می‌کند که: «گزارش‌های مالی با مقاصد عمومی به منظور نمایش ارزش واحد گزارشگر طراحی نشده‌اند؛ اما اطلاعاتی برای کمک به سرمایه‌گذاران موجود و ممکن، وام‌دهندگان و دیگر بستانکاران برای برآورد ارزش واحد گزارشگر، ارائه می‌دهند.» چارچوب مفهومی همچنین تصدیق می‌کند که هدف گزارشگری مالی «احتمال دارد منجر به انتخاب مبنای مختلف اندازه‌گیری برای

International Accounting Standards Board

داراییها، بدهیها و اقلام درآمد و هزینه مختلف شود. "اطلاعات درباره سود و هزینه فقط به میزان اطلاعات فراهم شده از طریق داراییها و بدهیها مهم است."

هیئت همواره مراقب بوده است تا اولویتی برای بهای تاریخی یا ارزش جاری قائل نشود؛ بلکه ماهیت ویژه فعالیتهای اقتصادی که باید به تصویر کشیده شود را مورد توجه قرار دهد. برای نمونه، هنگام اندازه گیری ابزار مالی، نقش مدل کسب و کار مربوط مطابق با ضوابط تعیین شده در استاندارد بین المللی گزارشگری مالی شماره ۹ (IFRS 9)، مورد توجه قرار می گیرد. اگر مدل کسب و کار مورد نظر، نگهداری داراییها برای وصول جریانهای نقدی طبق قرارداد باشد، روش اندازه گیری، بهای مستهلک شده خواهد بود؛ در حالی که برای مدل کسب و کاری که در آن داراییهای مالی برای دادوستد مورد استفاده قرار می گیرند، اندازه گیری معادل ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان خواهد بود.

افزون بر این، اکثر کاربران اذعان دارند که ارزشهای جاری در گزارشگری مالی به همراه استفاده از رویکرد سنتی تعهدی، به کار برده می شوند. حسابداری تعهدهای بازنشستگی و پاداش مبتنی بر سهام، دو نمونه ای هستند که سرمایه گذاران معتقدند ارزشهای جاری، وضعیت اقتصادی پایه را بهتر نشان می دهد.

فرصت پیشرفت

در حالی که من با تشخیص پروفیسور لو به شدت مخالف هستم، بدون شک هنوز امکان بهبود گزارشگری مالی وجود دارد. پروفیسور لو، دو تغییر در حسابداری را پیشنهاد داده است تا طبق گفته او، "اصل تطابق به صورت سود و زیان بازگردانده شود."

به حساب دارایی منظور کردن برخی داراییهای نامشهود

اولین پیشنهاد پروفیسور لو، به حساب دارایی منظور کردن و مستهلک کردن مخارج صرف شده برای برخی از سرمایه گذاریهای درازمدت قابل شناسایی مانند مخارج تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات و جذب مشتری است. البته مطابق با ضوابط تعیین شده از سوی استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی کنونی، مخارج توسعه و نرم افزار را می توان به حساب دارایی منظور کرد.

استاندارد جدید قراردادهای بیمه، یعنی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ که در ماه مه سال ۲۰۱۷ به وسیله هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری منتشر شده است، شرکتها را ملزم می کند تا تمام جریانهای نقدی انجام شده شامل مخارجی که به طور مستقیم قابل انتساب به جذب مشتری هستند را در اندازه گیری بدهیهای قرارداد بیمه در نظر بگیرند. بنابراین، اگرچه به طور جداگانه شناسایی نمی شوند، اما تمام مخارج جذب مشتری به حساب دارایی منظور می شوند.

آیا طبقه های دیگری از داراییهای نامشهود وجود دارد که منظور کردن آنها به حساب دارایی، ممکن است بهتر از به هزینه منظور کردن آنها باشد؟ باید موازنه میان سه ویژگی سودمندی در تصمیم گیری، ممکن بودن، و بهای تمام شده در نظر گرفته شود. برای بعضی از داراییهای نامشهود مانند فرهنگ، من معتقدم که پروفیسور لو و من در این زمینه توافق داریم که



International Accounting Standards Board

فرا تر از محدوده گزارشگری مالی هستند.

در رابطه با داراییهای نامشهود، پروفیسور لو، نبود ثبات رویه در حسابداری داراییهای نامشهود تحصیل شده، مانند نامهای تجاری و فهرست مشتریان و مواردی که در درون سازمان ایجاد شده اند را به درستی مطرح کرده است. اما این نبود یکپارچگی را می توان به یکی از دو طریق ممکن بر طرف کرد. همچنین، موضوع جالب توجه این است که شواهد کمی وجود دارد که نشان دهد سرمایه گذاران شناسایی این داراییها را سودمند دیده باشند.

نحوه رفتار با هزینه های تکرار نشدنی

دومین تغییر پیشنهاد شده از سوی پروفیسور، شناسایی مواردی مانند «موارد تکرار نشدنی شامل هزینه های کاهش ارزش سرقفلی و تجدید ساختار» به عنوان **سایر اقلام سود زیان جامع**^۹، به جای سود زیان است. او افزایش معیارهای عملکردی که مبتنی بر ضوابط تعیین شده از سوی اصول پذیرفته شده حسابداری نیستند را نشان دهنده نارضایتی از حسابداری مطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری می داند.

پیشنهاد ارائه هزینه تجدید ساختار به عنوان سایر اقلام سود و زیان جامع، مرا آزار می دهد. تناوب هزینه های تجدید ساختار در سالهای اخیر افزایش یافته و در بیشتر موارد، این مخارج نقدی هستند. ارائه آنها به عنوان سایر اقلام سود زیان جامع مانند دادن چک سفید به شرکتهاست (به طور قطعی سرمایه گذاران را تشویق می کند تا به سایر اقلام سود زیان جامع بیشتر توجه کنند). نکته جالب توجه اینکه روندی که به تازگی در میان شرکتهای آمریکایی مشاهده شده، این است که تعداد کمتری از آنها هزینه های مرتبط با اختیار خرید سهام را بر اساس معیارهای غیر منطبق با ضوابط تعیین شده از سوی اصول پذیرفته شده حسابداری تعدیل می کنند. هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری در حال بررسی معیارهای عملکرد مدیریت به عنوان بخشی از پروژه صورتهای مالی اساسی است که شامل مسئله پایداری است.

در پایان، می خواهیم در مورد دو پیشنهاد دیگر پروفیسور لو که در کتاب خود با عنوان **پایان حسابداری**^{۱۰} مطرح کرده و من با علاقه آن را می خوانم، اظهار نظر کنم.

تمرکز بر جریانهای نقدی باقی مانده

به سرمایه گذاران توصیه می شود که بیش از سودهای گزارش شده، بر جریانهای نقدی، به ویژه جریانهای نقدی باقی مانده، تمرکز کنند. در این راستا، بهتر است میان دو موضوع تمایز قائل شویم؛ تحلیلگرانی که در جایگاه فروشنده و متمرکز بر سود هستند و کسانی که در جایگاه خریدار می باشند. اهمیت جریانهای نقدی و سرمایه گذاری مجدد برای این دو گروه، سالهاست که به خوبی شناخته شده است. در پاسخ به باز خورد دریافتی از استفاده کنندگان از اطلاعات مالی، هیئت استانداردها به طرح یک الزام برای شرکتها پرداخته است که تغییرهای بدهی را از یک سال به سال بعد، تطبیق دهند.

این به تحلیلگران کمک خواهد کرد تا تغییرهای وجه نقد و بدهی را ثبت کرده و مبنای قویتری برای پیش بینی جریان وجه نقد در اختیار داشته باشند.

International Accounting Standards Board

تجزیه و تحلیل داراییهای راهبردی

دومین توصیه در کتاب پروفیسور لو خطاب به سرمایه‌گذاران، تمرکز بر داراییهای راهبردی کسب‌وکار و خطاب به شرکتها، تهیه یک گزارش جدید در مورد منابع راهبردی خود است. چنین به نظر می‌رسد که این یک عنصر مهم برای هر ارزیابی اساسی از چشم‌انداز یک شرکت است؛ ارائه چیزی شبیه به گزارش منابع راهبردی از سوی تعداد بیشتری از شرکتها، بسیار خوشایند است. در واقع، توسعه بیشتر داراییهای نامشهود، یکی از دلایلی بود که هیئت موافقت کرد تا یک پروژه جدید برای به‌روزرسانی بیانیه رویه گزارش تفسیری مدیریت، راه‌اندازی کند. پروفیسور تصریح می‌کند که ارائه گزارش منابع راهبردی، سبب ایجاد بار گزارشگری مازاد برای بیشتر شرکتها خواهد شد و پیشنهاد می‌کند که در اقدامی متقابل، گزارشگری سه‌ماهه کنار گذاشته شود. در حالی که برخی از جنبه‌های مدیریت وجه نقد را از دست می‌دهم، بهتر است بگویم که گزارشگری سه‌ماهه یکی از آنها نیست. این موجب شادی است که دیگر زیر سلطه چرخه گزارشگری سه‌ماهه نباشیم و این تغییری است که بسیاری از سرمایه‌گذاران در جایگاه خریدار از آن استقبال می‌کنند.

خلاصه

گزارشگری مالی همچنان عنصری مهم در فرایند سرمایه‌گذاری باقی خواهد ماند. طی پنج سال گذشته که با همکاری با دیگر مدیران به مدیریت وجه نقد پرداختم، صندوق ما بهترین بازدهی را داشته است. آیا همیشه خواهیم توانست به این بازدهی‌ها بدون دسترسی به گزارشهایی که می‌دانستیم می‌توانیم به آنها اعتماد کنیم، دست یابیم؟ من فکر نمی‌کنم که این احتمال وجود داشته باشد. البته، این موضوع به این معنی نیست که گزارشگری اکنون کامل است. فرصت برای پیشرفت وجود دارد و هیئت همچنان به انجام مأموریت خود در تدوین استانداردهایی متعهد است که شفافیت، پاسخگویی و کارایی را برای بازارهای مالی به ارمغان می‌آورند.

اجازه دهید بار دیگر از انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز و پروفیسور لو برای طرح این بحث تشکر کنم. اگرچه دیدگاه‌های مختلفی داریم، اما گفتگو در مورد این مسائل مهم است؛ به‌خصوص با توجه به اینکه هدف ما یکسان است: بهبود اثربخشی گزارشگری مالی.

پانوشتها:

- 1- Institute of Chartered Accountants in England and Wales (ICAEW)
- 2- International Accounting Standards Board (IASB)
- 3- International Financial Reporting Standards Foundation (IFRSF)
- 4- Research and Development (R&D)
- 5- Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)
- 6- Capital Markets Days
- 7- MD&A Reports
- 8- Financial Accounting Standards Board (FASB)
- 9- Other Comprehensive Income (OCI)
- 10- The End of Accounting

منبع:

Anderson N., **Financial Reporting Remains Core to the Investment Process**, www.ifrs.org, 2017